

۷ اسفند، سالگرد قتل عام شیعیان خوجالی توسط دانشگاههای ارمنی را به عموم مسلمانان تسلیم می‌گوییم



Yurdum yuvam məskənim sən
Azərbaycanım

یورد / گاهنامه‌ی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دانشجویان تورک دانشگاه شهید رجایی تهران / شماره 5 / دو شنبه 84/12/08 / قیمت: 25 تومن

به مناسبت ۲۱ فوریه روز جهانی زبان مادری و ۸ مارس روز جهانی زن

مساله زبان و مساله زنان

باش سوز:

به مناسبت ۷ اسفند سالروز فاجعه خوجالی و حمله به حرمین شریفین در سامرا

بیش از ده سال است که از قتل عام شیعیان خوجالی در قره‌باغ اشغالی می‌گذرد. خوجالی شهری هفت هزار نفری بود که دانشگاههای ارمنی آن را با خاک یکسان کردند. امروز دیگر صدای اذان از مناره‌های خوجالی و قره‌باغ شنیده نمی‌شود. حتی بدتر، مساجد به طوبله تبدیل می‌شود. آن موقع و صد البته الان هم ما در پی موهوماتی بودیم که خود برای خود ترسیم کرده بودیم. البته که بسیاری از این خطوط حتی با دین ما تضاد دارد. ما هیچ گاه ارمنستان را محکوم نکردیم و نمی‌کنیم تا همچنان ۲۰ در صد از خاک جمهوری شیعه نشین آذربایجان را در الحاق خود داشته باشد. از هشتصد هزار مسلمان چچنی که نابرابرانه در مقابل ۱۳۰ میلیون روس از دین و زبان و حیثیت خود دفاع می‌کنند، خبری نداریم. آوارگان بوسنی را فراموش کرده ایم و ...

امروز سومین تعرض و هتک حرمت بزرگ بعد از تجاوز یوسف حجاج و انهدام قبرستان بقیع به مقدسات اسلام انجام می‌پذیرد. امروز حرم امامین شریفین با خاک یکسان می‌شود، اما کجاست وجدانهای بیدار اسلامی که به جای فرافکنی دلایل بدیختی‌های جهان اسلام، ریشه آن را در خواب و رؤیای خرگوشی‌ای جستجو کند که در آن فرو رفته ایم.

سین کیانگ(منطقه مسلمان و تورک نشین در چین)، فلسطین، چچن، بوسنی، قره‌باغ، افغانستان، عراق و ... را از دست جهان اسلام ربودند، در حالی که ما همچنان خواب بودیم و هستیم.

بزدگداشت سالروز قتل عام مسلمانان خوجالی در قم

روز شنبه، شش اسفند ۱۳۸۴، در ساعت ۱۵ از طرف طلاب این قم به خاطر گرامیداشت یاد شهدای نسل کشتی وحشتناک مسلمانان قره باغ در شهر خوجالی، نسل کشتی تورکهای آذربایجان جنوبی در شهرهای اورمو، سلماس و خوی و همچنین فاجعه تبدیل مسجد شهر آغدام به خاکدانی توسط دانشگاههای ارمنی، برگزار شد که با حضور بسیار متراکم نیروهای نظامی و اطلاعاتی و همچنین هجوم به تجمع کنندگان نا امنی‌های وسیعی در مهمترین میدان شهر قم و روبروی حرم حضرت معصومه (س) به وجود آمد. تعدادی از شرکت کنندگان مورد ضرب و شتم قرار گرفته و عده‌ای دستگیر شدند. در میان دستگیر شدگان اسامی آقایان حجت الاسلام عظیمی قدیم، حجت‌السلام ذوقی، حجت‌السلام حیدریات، حجت‌السلام صحتی، حجت‌السلام یغمائی، حجت‌السلام عنقائی، اکبر آزاد، فرزاد صمدلی، سعید موغانلو، آتیلا کیشی زاده، نوروز (خبرنگار بی‌بسی) و تعداد دیگری به چشم می‌خورد.

این مراسم که به دعوت جمعی از طلاب حوزه علمیه قم صورت گرفته بود، در محوطه حرم حضرت معصومه(ع) برگزار می‌شد که با حمله نیروهای امنیتی ناتمام ماند. گفته می‌شود اطراف و داخل حرم ملو از نیروهای امنیتی و انتظامی بوده و فضای قم متأثر از این واقعه غیرعادی می‌باشد. همچنین گفته می‌شود قریب به بیست تن دیگر از اهالی تورک قم در این تجمع و نیز تظاهرات کوتاه مدت بعد از آن بازداشت شده‌اند که اکثریت قریب به اتفاق آنها بعد از بازجویی در کیوسک انتظامی میدان آستانه و بعضاً با تحمل اهانت یا ضرب و شتم آزاد شده‌اند. در این تجمع افرادی که با موبایل صحبت می‌کردند و یا دوربین عکاسی در دست داشتند به سرعت بازداشت می‌شدند. یکی از ویژگیهای بارز تجمع قم دفاع شجاعانه و بسیار صریح طلاب تورک حوزه از حقوق ملت آذربایجان و محکومیت شوونیسم، جنایتهای ارامنه دانشناک در قره‌باغ و کوردها در بازرگان و ماکو بود. همچنین به دنبال خبر رسانی سریع، صحیح و دقیق حوادث قم، اخبار این تجمع از انعکاس وسیعی در افکار عمومی برخوردار شده است.

تجاوز وحشیانه به حرم امامین عسکرین را محکوم می‌نماییم

مسئله با حقوق مربوط به آزادی بیان پرداخته‌اند، آنان مدافعه از مسئله را برعهده خود زنان و مدافعه از مسئله ملی (قومی) را بر عهده خود اقوام و ملل، رها کرده‌اند و حتی بعضاً نیز با بدبینی و تمسخر به حرکت‌های فمینیستی و ملی نظر افکنده، احیاناً در مقابل آن ایستاده‌اند.

۹. وابستگی دائمی زن به شوهر و یا پدر موجب گردیده است تا زنان در اغلب معادلات اجتماعی نقش تابع بر عهده گیرند تا متغیر. جامعه ایده‌آل زنان جامعه‌ای است که در آن هویت مستقل فردی زن تضمین شود. فعالین جنبشهای اجتماعی (و از جمله فعالین آذربایجان) اگر در اندیشه مشارکت فعال زنان در جنبش هستند، باید نشان دهند که به هویت فردی زن در جامعه احترام قائلند و آنرا تضمین میکنند.

۱۰. شرکت زنان در جنبشهای ملی وقتی نمود بارز خواهد داشت که آنان اطمینان داشته باشند که حل مسئله ملی (فی‌المثل در قالب فدرالیسم) منجر به استقرار سلطه مردان در چارچوب جدیدی نخواهد شد.

۱۱. پافشاری روی لبه‌های مشترک جنبشهای اجتماعی همچون جنبش زنان، جوانان، جنبش ملی و جنبش دموکراسی خواهی و تأکید بر مجموعه این مطالبات مشترک دموکراتیک یکی از وظایف اصلی روشنفکران جامعه است.

۱۲. آنسان که آزادی بیسان یا آزادی زنان را (تحت عنوان دموکراسی خواهی) مطالبه میکنند، اما تکلیف حقوق اقوام و ملل را روشن نمی‌سازند، طبعاً نخواهند توانست رغبت فعالین این جنبش را به سوی خویش جلب نمایند. عکس قضیه نیز صادق است.

۱۳. اعطای حقوق مربوط به اقوام و ملل و زنان که مجموعاً پنج ششم اهالی این سرزمین هستند، میتواند انرژی بزرگی را به نفع رشد و توسعه همه‌جانبه کشور آزاد نموده، استعدادهاى خفته بسیاری را شکوفا سازد. حل مسائل ملی و زن در راستای تأمین دموکراسی واقعی و در انطباق با منافع ملی در سطح تمام کشور قرار دارد و لذا بایستی هر دو مسئله در صدر خواستها و برنامه‌های مدیران آینده کشور قرار گیرد.

۱۴. حرکت ملی آذربایجان حرکتیست **ملی، دموکراتیک و عدالت‌جویانه**. این بدین معناست که این حرکت بایستی نسبت به بررسی و ارائه راه حل کلیه مسائل مربوط به ملت آذربایجان و از جمله مسئله زن بپردازد. نه اینکه صرفاً خود را به طرح و بررسی مسائل خاصی (همچون مسئله زبان) محدود نماید. حل مسئله زن گامی اساسی در جهت تأمین **دموکراسی و عدالت** جامعه است.

۱۵. برخی از فعالین آذربایجان بر این باورند که وظیفه آنها، طرح و بررسی مسائل مختص آذربایجان است و حل و فصل مسائلی چون مسئله زن که در کل جامعه ایران عمومیت دارند بر عهده جریانهای سراسریست! این طرز تلقی عملاً به معنای قبول ساترنالیسم (تمرکزگرایی) در امور سیاسی است. دیرپایی این طرز تلقی باعث تداوم تمایلات مرکزگرایی در میان زنان آذربایجانی خواهد شد و آنان رهایی خود را در اتصال به مرکز خواهند جست.

۱۶. اگر در جنبشهای ملی که ماهیتاً ضدساترنالیست هستند، مردان فعال و مصمم پیش روند، اما زنان که امیدى به حل مساله خویش در این چارچوب ندارند، منفعل و مردود گام بردارند، این جنبشها از هارمونی مناسبی برخوردار نخواهند بود.

۱۷. برخی از فعالین آذربایجان توجه به مساله زن را در حد توجه به مفاخر اسطوره‌ای، ادبی و تاریخی زنان خلاصه کرده‌اند. عبارات دیگر به بازسازی چهره زنان قهرمان مطابق با امیال ناسیونالیستی خود پرداخته‌اند. و در واقع چیزی را که ندیده‌اند مساله زن است.

۱۸. در آینده نزدیک تعداد بسیاری از فارغ‌التحصیلین زن وارد بازار کار خواهند شد. و عملاً در دهه نود تعداد زنان شاغل در حدی قابل مقایسه با مردان خواهد بود. بایستی فرهنگ مردانه محیطهای کاری به نفع حضور زنان تغییر یابد.

۱۹. بعلت تقلیل نرخ رشد جمعیت در سالهای پس از جنگ ایران-عراق، در آینده نزدیک (اوایل دهه نود) شانس ازدواج مردان با زنان کم‌سن و سالتر از خود بسیار محدود خواهد شد. بایستی فرهنگ تغییر یابد و ازدواج در گروههای هم‌سن ترویج گردد. (ادامه در صفحه بعد)

روز جهانی زبان مادری و روز جهانی زن هر دو مقارن با آخرین روزهای سال هستند، این قربابت در تقویم امری کاملاً اتفاقی و تصادفی است، اما حقوق مربوط به زبان مادری و حقوق زن دارای قرباتی بسیار در محتوا و ماهیت خویشند.

طرح گزاره‌های زیر در واقع تلاشی برای بررسی تطبیقی این دو مقوله است، با تأکید بر مشخصه‌های مساله زن و تأکید بر مبرم بودن توجه جدی بدان. قابل ذکر است که هر کدام از گزاره‌های زیر حاوی ارزش مستقلی هستند و ترتیب شماره‌ها به معنای اولویت‌بندی آنها نیست.

۱. جنسیت و زبان هر دو مقوله‌ای هویتی هستند، اولی هویت جنسی و دومی هویت قومی (ملی) یک فرد را تشکیل می‌دهند.

۲. در جامعه ما قریب دو سوم از اهالی کشور از بدیهی‌ترین حقوق مربوط به زبان مادریشان محرومند، زنان نیز که نیمی از اهالی را تشکیل می‌دهند، در حصارى از محدودیت‌های فرهنگی، سنتی و قانونی بسر می‌برند.

۳. به تعبیری بخشی از شهروندان که تحت تبعیض قومی قرار دارند، شهروندان درجه دو و آن بخش که مورد تبعیض جنسی قرار دارند، جنس دوم نامیده می‌شوند. بر اساس همین تعابیر، زنان ملیتهای ایرانی را میتوان شهروندان درجه چهارمی تلقی نمود که زیر یوغ تبعیض مضاعف قومی و جنسی قرار دارند.

۴. اکثریت زنان مانند اکثریت منتسبین به ملیتهای ایرانی از حقوق خویش ناآگاهند، اینان در معرض الیناسیون قرار دارند. آرزوی دارا بودن فرزند پسر و تمایل به تکلم به زبان حاکم از نمودهای بارز این ناآگاهی است. اما در حالی که تغییر هویت زبانی به راحتی و در طول دو-سه نسل امکان‌پذیر است، معضله تغییر هویت جنسی از محلات شمرده می‌شود.

۵. حقوق مربوط به آزادی زبان و حق تساوی زنان علاوه بر اینکه ارتباط مستقیمی با همدیگر دارند، ضمناً با حقوق مربوط به آزادی بیان نیز مربوطند. آزادی بیان، در بسیاری از جوامع غیر مردمسالار، از طرقی چون انحصار دولتی بر رادیو و تلویزیون و مطبوعات دولتی و اعمال سانسور و یا ایجاد خودسانسوری در نشر کتب و فرآورده‌های فرهنگی و ... محدود می‌گردد، اما یکی از راههای عمده نیز ایجاد محدودیت بیان از طرق غیرمستقیم و یا بهره‌گیری از آلودگی فرهنگی حاکم بر جامعه است. این آلودگی فرهنگی می‌تواند مانند تعصبات شوونیستی تاریخی هشتادساله داشته باشد و یا ریشه در اعصار و قرون داشته باشد، مانند فرهنگ پدرسالاری. وقتی فضای جامعه از سمومی چون تحقیر زن و تحقیر قومی انباشته شود، بطور سیستماتیک بسیاری به حاشیه رانده شده و از بیان افکار و اندیشه‌ها و آرا خویش امتناع می‌ورزند.

۶. رفع تبعیض قومی زمینه رشد و شکوفایی استعداد اکثریت اهالی غیرفارسی‌زبان ایران را فراهم ساخته، موجب رشد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی آنان خواهد شد که در کل به نفع عموم جامعه خواهد بود. رفع تبعیض جنسی نیز موجب افزایش مشارکت زنان در امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خواهد شد که آن هم به نفع عموم جامعه خواهد بود.

۷. مسئله زن و مسئله ملی علیرغم استقلال نسبی از هم دارای لبه‌های مشترک فراوانی باهمند، بی‌دلیل نیست که ادبیات بان آریانیستی ما بطور بارزی ادبیاتی مردانه است، و در طول هشتاد ساله تاریخ آن شاهد یک زن شوونیست که بر علیه حقوق اقوام و ملل ایرانی قلم‌فرسائی کرده و یا طرح تئوری نموده باشد، نیستیم. از پروین اعتصامی و فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی بگیرید تا نوشین احمدی خراسانی و شیرین عبادی، "هما ناطق" در مقایسه با برادرش "ناصر ناطق" همواره به "آدمیت" نزدیکتر بوده است. هم‌چنانکه نوشین احمدی نیز در مقایسه با هم‌ولایتی خراسانی خویش حمید احمدی.

۸. بسیاری از مدافعین آزادی بیان تا کنون کمتر به ارتباط متقابل و وجوه مشترک مابین مسئله زن و مسئله ملی و همچنین ارتباط این دو

